

سومین شماره از نشریه عقیدتی فرهنگی درنگ

سر دبیر: محدثه فتاحی

مدیر مسئول: فاطمه جنیدی

نویسندگان این شماره از نشریه: ملیکا دینداری، فاطمه شیخ الاسلام، زهرا ملایجردی،

رویای چارپاشلو

صفحه آرا: زهرا دهرویه

خدا گفت تو ریخته‌ی خلقی

زن فی نفسه قابل ستایش و با ارزش است، مگر آنکه خودش خلاف آن را ثابت کند. همانطور که مرد اینچنین است. این‌ها نمونه‌هایی از احادیث در مورد ارزش زن و جایگاه اوست. همچنین در این احادیث به مردها اخطار داده شده که بی توجهی به زن، جسارت به او و آزار دادنش عواقب سختی برای مرد دارد. مردها باید همیشه یادشان باشد که اگر زن وظیفه دارد به حرف شوهر گوش کند، به این معنا نیست که برده‌ی مرد است؛ بلکه خداوند خواسته که ریاست و مدیریت مرد را تأیید کند و ابدأ اینچنین نیست که مرد خیال کند ارباب زن است. همین زن میتواند درخواست کند که برایش خدمتکار گرفته شود. همچنین کوچکترین وظیفه‌ای برای کار در خانه ندارد. نه اینکه خدا خواهد زن را تن پرور کند، خیر... دلیل این است که مرد بداند همان مقدار که او حرمت و جایگاه دارد، زن هم ارزش و جایگاه دارد.

اگر نگرش‌های اسلام نسبت به مسائل زنان به خوبی مورد علم و عمل قرار گیرند، زنان به حقوق مطلوب و آرمانی خویش خواهند رسید.

نگرش مثبت دین به زنان و کمک در بسترسازی، جهت رشد و پرورش علم و ایمان آنان و تغییر نگرش برخی از مردان نسبت به زنان و همچنین تغییرات اساسی در ساختار فرهنگ‌ها و سنت‌های غیراسلامی، می‌تواند زمینه‌های احقاق حقوق زنان را فراهم سازد. تساو و ارزش زن و مرد در انسان بودن و امکان رشد و رسیدن به کمالات در نظام خلقت، توسط خداوند، کاملاً رعایت شده است و برخی تفاوت‌ها در احکام، مانند دیه و ارث و مشاغلی چون قضاوت، مربوط به مسئولیت‌های هر جنس به معنای تبعیض و عدم تساو نیست بلکه در اجتماع و شرایط جسمی و روحیات آنان است که هر یک در جای خود برای تشکیل و خلق نظام احسن، لازم هستند.

نقش زن در نظام آفرینش به عنوان کانون محبت و عاطفه و محور تربیت و آرامش دیده شده و نقش مرد به عنوان مسئول اداره خانواده و مدیر امور اجتماعی و انجام دهنده کارهایی که نیازمند نیروی جسمی زیاد است، نگریسته شده است.

اگر می‌گویند زن از حریم خانه و خانواده محافظت کند بخاطر توانایی و ظرفیت خاص زن و قدرت وجودی اوست. خداوند با توجه به لطافت عاطفی زن وظیفه‌ی مهم مادری را به او سپرده و بهشت را زیر پاهایش انداخته است. تنها یک زن است که می‌تواند داخل خانه را طوری مدیریت کند که از دامان او دکتر و مهندس و شهدا تربیت شوند.

اگر امروزه ما این عدالت را درباره زنان کم‌رنگ‌تر می‌بینیم به این است که آموزه‌های دینی ما در جامعه به خوبی پیاده نشده و جای گلایه از اصل دین نیست.

البته جا دارد که بگوییم که ما زنان در طول تاریخ به مردان فهمانده ایم که اگر بخواهیم میتوانیم!

می‌توانیم انقلاب کنیم!

می‌توانیم انقلابی تربیت کنیم!

ما زن‌ها اگر جایگاه و ارزش خود را در دین بدانیم، اگر دیدگاه پیامبر و امامان را در باره‌ی خود بدانیم، قدر خود را بیشتر خواهیم دانست.

آن وقت است که انرژی خویش را صرف تأثیرگذاری بیشتر در جامعه و نزدیک شدن به شخصیت حقیقی زن خواهیم کرد.

یادمان باشد که خداوند ما را ریخته‌ی خلقت خطاب کرده و ظرفیت ما نیاز به مراقبت بیشتر دارد!

زن بودن من و تو لطف خداست!

شکرگذار این لطف باشیم!

خیلی از شماها که دارید این متن را میخوانید حتماً روزی با خودتان گفته‌اید که ای کاش پسر بودم!

حتماً در آن لحظه به آزادی‌های آن‌ها فکر کرده‌اید؛ مثلاً این که لازم نیست حجاب بگیرند و خیلی از محدودیت‌هایی که می‌دانیم را ندارند و به قول خودمان از هفت دولت آزادند! اما به نظر من این سطحی‌ترین نگاه است!

بیباید دقیق‌تر به موضوع بنگریم!

مثلاً این گونه:

زن در زیرمجموعه‌ی مرد تعریف نمیشود، بلکه در کنار او تعریف میشود. متفاوت است ولی مساوی ست. ظریف‌تر است اما ضعیف‌تر نیست. دل‌نازک‌تر است اما کوچک‌تر نیست. نه مرد به خودی خود بر زن برتری دارد نه زن به خودی خود بر مرد.

خدا گفت
تو ریخته‌ی
خلق



مادر شهید...

نمیدانم چگونه بنویسم...

کلمات را ردیف میکنم گویا زبانم قاصر است و قلم از نوشتن سرباز می زند... چطور با لرزش دستانم کنار بیایم... چطور گریه ها و ناله های مادری را نادیده بگیرم امروز برای کسانی خواهم نوشت که وجودشان سرشار از عشق است...

مادر کلمه ای ایست که در خود هر واژه اش عشق و امید و مهربانی را بر ایمان به ارمغان می آورد. حال این کلمه ی مقدس با واژه ای دیگر همراه است و ارزشش دوچندان شده کلمه ای به نام مادر شهید...

مادری که اینجا در کنار قاب عکس فرزندش نشسته است و می گرید صدای عشق با گریه اش توأم شده گویا آسمان هم گریه اش می گیرد... آری مادری که شب ها سر بر بالین فرزندش بیدار است اما حال باید بر تابوت و جسم بی جان آن بیداری کند... بر جسم فرزندی که با بودنش آرامش و عزت و با رفتن اش بر ایمان امنیت به همراه آورده...

دستانش را در دست فرزندش می گذارد و می خواهد با پسرش حرف بزند... حرف ها و نخواستنی های عاشقانه ای به گوش ام می رسد... مادری که حال پروانه ای را دارد و به گرد شمع می گردد... بال و پرش می سوزد...

و اشک از چشمانش جاری می شود... و من هر ثانیه شرمندگی چشمان و دستان چروکیده و لرزان این بانوی پر افتخار می شوم... آری بانویی که کلمه ی مقدس مادر شهید را بر او نام نهادیم...

مادری از جنس لطافت برگ گل سرخ... مگر می شود از دامان چنین بانوان پرافتخار فرزندانمان دلبری جز شهید پروانده شود؟؟

مادرانی که در مکتب حضرت زهرا سلام الله علیها درس آموختند... حال در این راه قدم می گذارند... شما گوهرائی هستید که در وجود خود مرواید هایی چون شهدا را پرورانده اید و در برابر شما بزرگواران سر تعظیم فرود می آوریم...



مصاحبه

برای من حجاب گذاشتن کار سختی بود اما در نهایت به این نتیجه رسیدم که احساس کردم این آن چیزی است که خداوند از من میخواهد. خدمت واقعی کردن به این کشور لیاقت میخواهد.

سرکار خانم "طناز سیار بحری" متولد آذر ۱۳۴۱ در تهران هستند که در سن حدود ۱۰-۱۱ سالگی همراه خانواده به هلند مهاجرت کردند. ایشان در دانشگاه شهر روتردام در رشته پزشکی قبول شده و پس از اتمام پزشکی عمومی، بعد از آن مدت یک سال در بیمارستان آراسموس هلند مشغول به کار شدند و اوایل سال ۱۳۹۶ بود که به ایران بازگشتند.

– شما به عنوان فردی که در اروپا در اوج آزادی بزرگ شدید، به چه علت احساس کردید که به دین نیاز دارید؟

خداوند در همه جای جهان انسان ها را هدایت میکند و به آن ها این شانس را می دهد که راه درست را انتخاب کنند. برای من هم در سنین بلوغ سوالاتی در ذهنم مطرح شد که هدف از زندگی کردن چیست. این سوال ها همراه با اتفاقاتی که می افتاد باعث شد که من بیشتر به سمت اسلام گرایش پیدا کنم. به عنوان مثال دبیر دینی ما یک روز در رابطه با اسلام و پیامبر ما با بی احترامی و تمسخر صحبت کرد که من واقعا از این رفتار تعجب کردم و ناراحت شدم ولی چون اطلاعات زیادی نداشتم مجبور شدم سرکلاس سکوت کنم. این اتفاق باعث شد که من شروع به تحقیق کنم و بیشتر و عمیق تر به دین اسلام نزدیک شوم. از طرفی هرچه بیشتر به خدا نزدیک می شدم احساس آرامش بیشتری میکردم و خداوند هم خیلی کمک میکرد در تمام امور زندگی. زمانی که انسان وجود خدا و محبتش را احساس میکند دیگر نمیتواند بدون خدا زندگی کند؛ دیگر نمیشود وجودش را انکار کرد.

– چطور تصمیم گرفتید محدودیت های ناشی از حجاب را بپذیرید؟

باید بگویم که حجاب محدودیت نیست. گذاشتن حجاب یک فرصتی است برای خانم ها که ارزش و مهارت ها و استعداد های خود را خارج از جذابیت های ظاهری خودشان ارزیابی کنند و یک جواری به درون خود سفر کنند تا خود واقعیشان را پیدا کنند و اهداف ارزشمندی که خداوند برایشان در نظر گرفته است پیدا کنند. من به این مسأله واقعی پی بردم که حجاب گذاشتن شاید اگر زودتر این کار را میکردم می توانستم به موفقیت های بیشتری دست پیدا کنم و رشد بیشتری داشته باشم. میتوانم بگویم که برای من حجاب گذاشتن کار سختی بود ولی به جایی رسیده بودم که احساس میکردم خداوند این را از من می خواهد و دارد با من اتمام حجت میکند. از این رو این کار را انجام دادم و بعد آن دیدم که چه آرامشی به من داده شد و برعکس آن چیزی که فکر میکردم موفقیت های بیشتری نصیبم شد. انسان ها وقتی کاری را برای خدا انجام دهند خداوند چند برابر جبران میکند.

– شما هم زندگی در هلند را تجربه کردید و هم ایران را. به نظر شما خانم های مسلمان ایرانی تا چه اندازه آزادی دارند؟

این سوالی بود که همکاران هلندی من زیاد از من میپرسیدند. به نظرم خانم ها در همه جای دنیا برای رسیدن به اهدافشان بیشتر از آقایان باید سعی و تلاش کنند و زحمت بکشند. در هلند خانم ها شانس کمتری برای قبول شدن در تخصص ها را داشتند و دارند و تعداد خانم هایی که به سمت پروفیسور رسیدند خیلی کمتر از آقایان است و این خیلی تعجب آور است. در حالیکه خانم ها حداقل در پنجاه سال اخیر ظاهر همان آزادی ها و امکانات را داشته اند که آقایان داشتند. پس می شود نتیجه گرفت که این فقط آزادی و امکانات نیست که باید فراهم شود تا خانم ها به رتبه های بالای علمی یا شغلی دست یابند. حالا اگر بخواهیم جامعه ایران اسلامی را با جوامع اروپا مقایسه کنیم، می شود گفت که خانم های ایرانی از لحاظ امکانات تحصیلی و شغلی همان آزادی ها را دارند اما احتمالا خانم ها در ایران هم با همان مشکلات خانم های اروپایی مواجه هستند. ضمن اینکه این نیاز طبیعی خانم ها است که تشکیل خانواده بدهند و از یک سنی به بعد نیاید گذاشتن خانواده ممکن است احساس خلاء برایشان ایجاد کند و امید به زندگی را از دست بدهند. خیلی از خانم ها که به درجات بالای علمی میرسند تصمیم میگیرند از یک جایی به بعد بیشتر به خانواده برسند و زمان بیشتری را در کنار فرزندان خود باشند.

ادامه ی مصاحبه در صفحه ی چهارم

مادر روانشناسی ایران:

"پریخ دادستان" یکی از بنیان‌گذاران روانشناسی نوین ایران است و بسیاری او را مادر روانشناسی ایران می‌نامند. درختش پریخ جوان در طول تحصیل قبل از دکترای در دانشگاه رنو باعث شد "زان پیازه" راهنمایی پژوهشی و پایان‌نامه‌ی دکترای او را بپذیرد. باور پیازه به دکتر دادستان به حدی بود که مسئولیت مرکز شناختی نیویورک را به او پیشنهاد کرد. اما دادستان که عاشق وطن بود این پیشنهاد را نپذیرفت و پس از اخذ مدرک دکترای از زان پیازه به ایران بازگشت.

پوراندهخت سلطانی شیراز:

پوراندهخت سلطانی متولد ۱۳۱۰ از بنیانگذاران کتابداری نوین ایران شناخته می‌شود. اکنون پوری سلطانی را مادر کتابداری نوین ایران می‌نامند. او و همکارانش با همه توان کوشیدند تا کتابخانه ملی ایران را به سطح علمی و فنی بزرگترین کتابخانه‌های ملی دنیا برسانند. همچنین سهم او در شیوه‌های نوین طبقه‌بندی کتاب، اسناد و مدارک و حفظ میراث مکتوب ایران و کمک به محققین رشته‌های مختلف در یاد و خاطر بسیاری از پژوهشگران باقی است. چند سالی را خارج از ایران زیست اما باز به ایران برگشت و پس از مدتی مرکز ملی کتابداری را پایه گذاری کرد.



بانو نصرت امین* اولین بانوی مکتب در مهان اسلام:
بانو امین متولد ۱۲۶۵. از چهار سالگی به فراگرفتن قرآن و از یازده سالگی به تحصیل زبان عربی پرداخت. ۱۵ سالگی ازدواج کرد و در ۲۰ سالگی به تحصیل فقه و اصول، تفسیر و علم حدیث پرداخت. به حکمت و فلسفه و در پی آن به عرفان روی آورد. در چهل سالگی به اخذ درجه اجتهاد نائل آمد. علاوه بر کتاب هایشان، تأسیس مدرسه علمیه‌ای به نام مکتب فاطمه (س) و چند دبیرستان دخترانه از دیگر کارهای مهم فرهنگی ایشان است. شخصیت‌های بزرگی همچون علامه طباطبایی و مرتضی مطهری به دیدار او رفتند و در زمینه‌های علمی مربوط به خود با او سخن گفتند.

جمیله صادقی، بنیان‌گذار شرکت تاکسی سرویس زنان در ایران:

جمیله صادقی، متولد ۱۳۳۷ می‌باشد که تحصیلات خود را در حوزه و دانشگاه گذراند. ایشان مسئولیت کتابخانه دارالعلوم فاطمیه کرج و مسئولیت بخش هنرهای تجسمی و نمایشی را بر عهده داشت. مدتی مشاور فرماندار و مدتی مدیر عامل کانون فرهنگی شهرستان هم بود. به دنبال دغدغه‌ای که برای شغل زنان داشت، در سال ۸۰ مجوز اولین تاکسی سرویس ویژه زنان را اخذ و آن را تأسیس کرد. به دنبال آن در سال ۸۲ مدیر عامل اتوبوسرانی مجوز داد که خانم‌ها روی اتوبوس در خط مترو دانشگاه مشغول به کار شوند ۵ اتوبوس نیز به آن‌ها داده شد. او در سال‌های ۸۲، ۸۶، ۸۶ کارآفرین نمونه‌ی سال در کشور شد.

**بانوی ایرانی باید
میشرفه باشد**



**ایران افتخار من
دست در دست هم، برای وطن**

بانوی ورزشکار ایرانی
زهرا نعمتی متولد ۱۳۴۴ عضو تیم ملی تیراندازی با کمان بانوان معلول ایران است. وی نخستین زن در تاریخ ورزش ایران است که موفق به کسب مدال طلا در سطح بازی‌های جهانی المپیک و پارالمپیک شده‌است. او پیش از این، عضو تیم ملی تیراندازی بانوان ایران بود و پس از این که در اثر سانحه‌ی ترافیکی ویلچر نشین شد و به ورزش تیراندازی با کمان روی آورد. اولین ورزشکار ایرانی، اولین بانوی آسیایی و سیزدهمین ورزشکار تاریخ است که توانسته هم در المپیک و هم در پارالمپیک کسب سهمیه کند و اولین بانوی مسلمان معلول است که برچمدار کاروان المپیک یک کشور شده‌است.

فدک

بعد نبوی و حاکمیت اسلامی پدر را در تعریف شخصیت پیامبر (ص) مورد توجه قرار میدهند. از جمله: «ابن رسول الله»: «ابن محمد. لقد جاءکم رسول من انفسکم»: «آشهد بان ابي محمد اعبده و رسوله»
دغدغه اصلی حضرت زهرا در جلوگیری از آسیب رسیدن به ایمان جامعه و خروج از دایره‌ی ایمانی، در طول گفت‌وگو قابل ملاحظه است تا آنجا که حضرت زهرا در خصوص مسئله‌ی ارت از خطوط فکری جهت دهنده‌ی جامعه سخن می‌گوید و نظرها را متوجه غضب اربث ایمانی می‌سازد.
حضرت زهرا (س) با استفاده از تقابل در به کارگیری صورتهای بیانی و استفاده از تشابهات وازگانی، وضعیت سران نفاق و شرک در جامعه نبوی که مستقیماً از سوی نبی(ص) تقبیح میشدند و عملکردشان زشت و برخلاف محور ایمان شمرده میشدند را در تشابه کامل با وضعیت سران حاکم تصویر و تعبیر میکنند: تا در دوران فقدان نبی اکرم(ص) نیز این عملکردها و رویکردهای ناصواب حاکم بر جامعه دیگریار تقبیح شده و عملکردشان زشت و برخلاف محور ایمان تلقی گردد. "تجم قرن الشیطان" یعنی: هرگاه شاخ شیطان نمایان گشت.
"اطلع الشیطان راسه من معرزه هاتفاً یکم" یعنی: شیطان سرش را از نهانگاه خویش به در آورد
خطبه فدک اگرچه در ظاهر برای احقاق حق فدک ایراد شده است اما دغدغه‌هایی فراتر دارد که با کاوش گفت‌وگو انتقادی و با عبور از صورتهای کلامی میتوان تا حدودی معانی آن را درک نمود. حضرت زهرا(س) در گفت‌وگو انتقادی خود، برده از گفت‌وگوهای رایج جامعه برمیگرداند و گفت‌وگو را بخش را گفت‌وگو فراتی و گفت‌وگوهای بی‌پایه با قرآن از جمله خطبه فدک معرفی میکنند. نکته مهمی که در طول گفت‌وگو نسبت به آن هشدار داده میشود این است که شرک و نفاق آفت جامعه اسلامی است که در صورت فرصت یافتن، خود را بر جامعه تحمیل کرده و جامعه را با خود هسو میسازند.
تمسک به قرآن و افراد باایمان که الگوی تمام عیار آن حضرت علی(ع) است، بهترین راه برای حفظ دستاوردهای ایمانی جامعه اسلامی در دوران فقدان وجود ولایی پیامبر (ص) معرفی میگردد.

خانان اهل بیت (ع) و در رأس آن‌ها حضرت زهرا(س)، بعد از رحلت پیامبر(ص) و با بروز تحولات جامعه‌ی اسلامی، در معرض چالش‌های جدیدی قرار گرفتند. فتنه انگیزی، حق کشی، مادی طلبی، قدرت خواهی، گفت‌وگوهای جامعه را رقم زد. ساختارهای مسلط بر جامعه، الگوهای را نهادینه میکردند که خطوط فکری مغایر با ایدئولوژی ترسیم شده از سوی نبی اکرم(ص) را در برداشت. لذا حضرت زهرا(س) در ابطال ایدئولوژی حاکم شده و برای هشدار به مسلمین در لزوم بازگشت به خط نبوی، گفت‌وگو انتقادی خطبه مستدل، روشن و ميسوط فدک را بیان فرمودند. خطبه فدک در واقع دادخواهی حضرت زهرا(س) و مطالبه اربث غضب شده ایشان یعنی سرزمین فدک بیان شده است اما در نگاه کلی تر به صورت های واژگانی و بستر انتقادی حاکم بر خطبه، میتوان دغدغه‌ای فراتر از مطالبه اربث فدک را دریافت:
یکی از این میراث، میراث معنوی یعنی ایمان است. حضرت زهرا در گفت‌وگوهایشان در موارد مختلف به این مسئله پرداختند: "یابن ابي جحافه افی کتاب الله تراث اباک و لا اربث ابي" یعنی: ای پسر ابي جحافه! آیا در کتاب خدا آمده که تو از پدرت اربث می‌بری و من هیچ اربثی از پدرم نمی‌برم؟
...زعمتن ان لا حظوه لی و لا اربث ابي" یعنی: کمان کردید که من هیچ منزلت و اربثی از پدرم نمی‌برم؟
"ایها بنی قیله اأهضم تراث ایین" یعنی: ای بنی قیله (انصار) آیا میراث پدر مرا به تاراج می‌برید؟ اما باید دانست دغدغه اصلی حضرت زهرا (س) میراث مادی نبوده است و آن حضرت تنها برای احقاق حق مادی خود به خطابه و احتجاج برخاستند، بلکه حفاظت از میراث اصلی رسول اکرم(ص)، تفکر- بنیادین و اصلی گفت‌وگو است: میراثی که با رنج و مشقت پیامبر در دوران پر مشقت تبلیغ رسالت محقق کرد، یعنی همان میراث ایمان برای جامعه اسلامی. هر جا حضرت زهرا از پدر و مسئله اربث صحبت به میان

ادامه ی مصاحبه ...



... به نظر شما یک خانم مسلمان اگر بخواهد هم به عنوان یک مادر موفق در خانواده ظاهر شود و هم به عنوان یک فرد فعال و تاثیر گذار در جامعه، باید چه ویژگی هایی را در خود تقویت کند؟

به نظرم اولین قدم سفر به درون است. یک خانم اول باید خودش را خوب بشناسد. ریشه هایش را بازبینی کند، برای خودش روشن کند که چه چیزهایی در زندگی برایش ارزشمند است، ضعف ها و توانمندی های خود را شناسایی کند و اهدافش را در زندگی برای خود تعریف کند. اینکه از زندگی چه چیز میخواهد و خود را در ۲۰ سال آینده در کجا ببیند. بعد تعیین اهداف باید توکل به خدا و سعی و تلاش خود را شروع کند. در این راه نیاز به ایمان، امید، پشت کار زیاد، و نظم دارد. به نظرم اگر یک خانم بتواند خودش را حفظ کند و در این راه رشد کند قطعا یک مادر موفق هم خواهد بود. در عین حال که در جامعه هم تاثیر گذار است.

... به نظر شما این طرز فکری که یک سری از افراد مطرح میکنند که پیشگی برای بانوان حرفه خیلی سنگینی است، تا چه اندازه درست است؟

در اینکه پزشک ها باید وقت زیادی را برای حرفه خود بگذارند شکی نیست به غیر از این، سنگینی حجم عواطف انسانی که پزشک را درگیر میکند هم نسبت به رشته های دیگر بیشتر است و ممکن است روح و ذهن انسان را درگیر کند. بخصوص در تخصص هایی که با بیماری های سرطانی سروکار دارند. به نظرم کار راحتی نیست اما شدنی است. خیلی از همکاران من در هلند دو، سه فرزند داشتند و در عین حال در یک مرکز آکادمیک کار میکردند. خانم ها به طور مثال در هفته که ۵ روز باید کار کنند ۳ و یا ۴ روز کار میکنند و جدیداً تعداد آقایان هم که به عنوان پدر یک روز در هفته کمتر کار میکنند که هم بیشتر در کنار خانواده باشند و هم باری از دوش همسرشان کم کنند، بیشتر شده است.

... چه مسائلی باعث شد که شما به ایران باز گردید؟

در دوران دانشجویی رفت و آمد هایی به ایران داشتم و در مواجهه مستقیم با شرایط داخل ایران متوجه تناقض هایی میان آنچه توسط رسانه های هلند در ذهن ما ساخته شده بود و آنچه در واقعیت در حال رخ دادن بود می شدم. در تمام این سال ها و علی الخصوص با جدی شدن تحریم ها و فشار های سیاسی بر ایران، بیشتر برابرم روشن می شد که حقوق بشر و افکار به ظاهر انسان دوستانه ای که در غرب تبلیغ و ترویج میشود، در نسبت با ملت های دیگر صورت واقعی و بیرونی ندارد و عمداً وسیله و پوششی است برای تحت فشار قرار دادن کشورهای دیگر جهت دستیابی

... شما یک بار در یک مصاحبه ای فرموده بودید که کشور ایران الان حکم کشتی نوح را دارد و هرکسی که به آن وارد نشود این فرصت را از دست میدهد. چه چیزی در ایران شما را به این باور رساند؟

انقلاب اسلامی برای من حکم ایستادگی در برابر استکبار جهان را دارد و کمک و همکای در این مبارزه، مقدس است؛ مبارزه با کشورهایی که به راحتی هزاران نفر را در قحطی و گرسنگی قرار میدهند، جنگ های ساختگی به راه می اندازند تا بتوانند ثروتمندتر شوند، صدها سال فقط به ظلم و تبعیض پرداختند و در آخر رُست انسان دوستی میگیرند و برای شخصی که هدف خودش قرار داده که درست زندگی کند این مبارزه یک فرصت بی نظیر است. میتوانم بگویم که وجود شهدا من را به این باور رساند. در آخر ما فقط به این دنیا آمده ایم که انتخاب کنیم؛ انتخاب بین حق و باطل.

... خانم دکتر با جوان های دهه ی هفتادی که نسبت به اسلام دچار تردید هستند پیشنهاد میدهید چگونه پاسخ سوالاتشان را پیدا کنند؟

هر جوانی اگر با کنجکاوی و با نیت فهم و درک جهان برود و مطالعه بکند راه را پیدا خواهد کرد. همین چند روز پیش مقاله ای در یکی از روزنامه های معتبر هلند خواندم در مورد یکی از افرادی که در حزب سیاسی تندرو های راست گرا فعالیت میکرد و حرف های تندوی ضد پیامبر اسلام و مسلمان ها میگفت. تحصیلات ایشان الهیات در دانشگاه آمستردام است. قرار بود ایشان کتابی ضد اسلام بنویسد و شروع به تحقیقات کرد. در حین تحقیقات به این نتیجه رسید که همه ی این منفي باقی ها از اروپای قرون وسطا نشأت میگیرد. آن زمان که روحانیون مسیحی با دین اسلام مواجه شده بودند و حس رقابت میکردند. ایشان به بن نتیجه رسید که هیچکدام از آن حرف ها واقعیت نداشته و به حقیقت سخن خدا پی برد و دین اسلام را پذیرفت و مسلمان شد! شما نمی دانید که افرادی که در این حزب سیاسی هستند چقدر تندرو هستند و تعصب دارند روی افکارشان ولی ایشان بعد تحقیقات هدایت شد چون دنبال حقیقت می گشت و خدا حقیقت را به او نشان داد. بنابراین جوان های ما اگر واقعا تحقیق کنند، اگر واقعا بخواهند، مسیر خود را پیدا خواهند کرد.

... سخن آخر اگر دارید بفرمایید

یک نکته ای هست که من را خیلی اذیت میکند و آن این است که رفتار و برخورد مردم در ایران با هم می تواند خیلی دوستانه تر و مهربان تر باشد. دلمان باید بیشتر برای همدیگر بسوزد. بیشتر دست همدیگر را باید بگیریم و مثبت تر به هم نگاه کنیم و کمتر همدیگر را قضاوت کنیم...

انتشارات سوره مهر کتاب «**خاطرات سفیر**» شامل خاطرات نیلوفر شادمهری، عضو هیات علمی دانشگاه هنر را منتشر کرده که شامل خاطراتی از تحصیل یک دانشجوی ممتاز ایرانی در فرانسه است. شادمهری در مقدمه ای که بر کتاب خاطرات خود نوشته است، ماجرای نوشتن این خاطرات را اینگونه بیان می کند: القضا به عنوان دانشجوی ممتاز، موفق به دریافت بورس دوره دکترا در رشته طراحی صنعتی شدم. علاقه شخصی و بررسی های مطالعاتی پیرامون موضوع رساله ام من را در انتخاب کشور فرانسه مطمئن تر کرد و سرانجام راهی پاریس شدم. پایم که رسید به فرانسه، با اولین رفتارها و سؤال هایی که درباره حجایم می شد و به خصوص درباره وضعیت و شرایط ایران، متوجه شدم آنجا کسی من را نمی بیند. آن که آن ها می دیدند و با او سر صحبت را باز می کردند یک مسلمان ایرانی بود؛ نه نیلوفر شادمهری. آن ها چیز زیادی از ایران نمی دانستند. اگر بخواهم دقیق تر بگویم، شناختی که از ایران داشتند فاصله زیادی حتی با واقعیت داشت؛ چه رسد به حقیقت. و من شدم «ایران»!...

معرفی کتاب

خاطرات سفیر
نیلوفر شادمهری

@anjoman_islamimahdisha

@anjoman_islami.mahdisha_iasu